

بازتاب فعالیت‌های سیاسی زنان در دهه رمان پس از انقلاب اسلامی

* حمید رضایی

** ابراهیم ظاهری عبدوند

چکیده

رمان از ابزارهای مهم جامعه‌پذیری، انتقال ارزش‌های زندگی و بازتاب‌دهنده‌ی مسایل گوناگون اجتماعی است. بر این اساس برای درک نوع نگرش افراد جامعه به مشارکت زنان در عرصه‌ی سیاست و نحوه‌ی این مشارکت، دهه رمان معاصر فارسی بعد از انقلاب - پنج نویسنده مرد و پنج نویسنده زن - با روش تحلیل محتوا بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نویسندگان زن در داستان‌های خود نه تنها به مسایل سیاسی می‌پردازند؛ بلکه در داستان‌هایشان، شخصیت‌های زن، آگاهی سیاسی بالایی دارند، طرفدار و شرکت‌کننده در گفتمان‌ها و احزاب سیاسی هستند و همپای مردان در مسایل سیاسی مانند کودتای بیست و هشت مرداد، حادثه‌ی شانزده آذر و انقلاب اسلامی مشارکت دارند. در داستان‌های مردان، شخصیت‌های زن حضور دارند؛ اما کمتر به مسایل سیاسی می‌پردازند و بیشتر تأثیر این مسایل بر زندگی آنها نشان داده شده است که به نظر می‌رسد علتش، بیشتر متأثر شدن از این کلیشه‌ی جنسیتی است که مردان سیاسی‌تر از زنان هستند.

کلیدواژه‌ها: رمان، زن، سیاست، انقلاب، آگاهی سیاسی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسوول) faanid2003@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد zaheri_1388@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۸

۱. مقدمه

این عقیده که زنان نباید به فعالیت‌های سیاسی پردازند، از دیرباز مورد توجه بوده؛ اما در عمل، بر خلاف این اتفاق افتاده است: «در عمل زنان خاندان‌های سلطنتی و طبقه‌ی اشراف به اعمال قدرت سیاسی و ترغیب سپاهیان به جنگ، تدوین قوانین و نیز به کار کشورداری می‌پرداختند. در مواقع سرکوب و درگیری شدید و نیز در جنگ‌ها و در زمان اشغال بیگانگان و استعمارگران، حتی زنان دون‌پایه یا معمولی نیز اهمیتی آشکار پیدا می‌کردند» (روایتم، 1385: ۲۴-۲۳). زنان در عصر جدید، به صورت فعال وارد عرصه‌ی سیاست شدند و نقش مهمی در توسعه‌ی جوامع بر عهده گرفتند. «ورود زنان به قلمرو سیاست، امری بود ضروری و اساسی؛ زیرا تمامی جوامع مردسالارند و مسلماً نمی‌توان برای آغاز کردن و پیشبرد تغییرات لازم به مردان اتکا کرد» (گرت، 1379: ۱۶۸). در ایران نیز مسائل زنان، از جمله موضوع‌هایی است که از انقلاب مشروطه به بعد، همواره مورد توجه روشنفکران و تحلیلگران بوده است. در این دوران، تغییراتی در زندگی زنان به وجود آمد؛ چنان‌که برخی از آن‌ها- زنان طبقه بالای جامعه- وارد مدارس و دانشگاه‌ها شدند، به فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی پرداختند.

البته در دوره رضاشاه با وجود کشف حجاب و تسهیل مشارکت زنان در فعالیت‌های شغلی و آموزشی، آزادی فعالیت زنان در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از بین رفت و در سایه کنترل شدید حکومت بر حوزه‌ی عمومی فعالیت مستقل زنان نیز سرکوب شد (رک. نیکخواه قمصری، 1384: ۱۵۴). در دوره‌ی حکومت محمدرضاشاه، مهمترین تحول در زندگی زنان، تصویب حق رأی برای آن‌ها در سال 1343 ه.ش بود. بر اساس این مصوبه، زنان می‌توانستند در عرصه‌ی انتخابات پارلمانی حضور یابند، رأی بدهند و به عنوان نماینده به مجلس بروند؛ چنان‌که «در سال 1353، 125 زن در پست‌های نمایندگی مجلس، معاونت وزیر، مدیرکل، وکالت دادگستری، قضاوت و ریاست انجمن‌های شهر و روستا حضور داشتند. تعداد نمایندگان زن در دوره‌ی بیست و یکم مجلس، شش وکیل و دو سناتور، در دوره‌ی بیست و سوم، 16 وکیل، چهار سناتور و در دوره‌ی بیست و چهارم، بیست وکیل و چهار سناتور بود» (ناجی راد، 1382: ۲۵۴). وقوع انقلاب اسلامی و حضور همه‌جانبه زنان در جریان آن را می‌توان نقطه‌ی آغازین تحولات جدیدی قلمداد کرد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، تحولات وسیع و همه‌جانبه‌ای در حوزه اجتماع و سیاست روی داد.

پشتوانه‌ی قانونی این تحولات، قانون اساسی است که در مقدمه‌ی آن به نقش زنان در شکل‌گیری انقلاب و استقرار نظام اسلامی اشاره شده است و در آن، زنان دارای حقوق همه‌جانبه و فراگیری همچون مردان با رعایت موازین شریعت اسلامی گردیده‌اند (ر.ک عباس‌نیا، ۱۳۹۰: ۷۷).

در آثار داستانی‌ای که در این برهه‌ی زمانی نوشته شده، مسایل سیاسی و نقش زنان در آنها بازتاب یافته است. در این آثار، زن هم خود دست به نوشتن زده و هم نویسندگان مرد مسائل مختلف مربوط به زندگی آن‌ها را به تصویر کشیده‌اند. در ادبیات داستانی معاصر، زن در رمان‌های اجتماعی و رمان‌های تاریخی، از دو چهره‌ی متمایز برخوردار است. زنی که در رمان تاریخی به تصویر کشیده می‌شود، همان زن شعر کلاسیک فارسی است؛ معشوق، زیبارو، بی‌درون و ذهنیت و بری از مسائل عصر حاضر (ر.ک میرعبادینی، ۱۳۸۷: ۳۶۷). در رمان‌های اجتماعی، زن به صورت قربانی اجتماع خرافی و عقب‌افتاده تصویر شده که ناگزیر به چشم‌پوشی از عشق خود و تن دادن به ازدواج‌های ناخواسته و مقهور تحقیرات ناشی از سنت چند همسری و طلاق‌های یک طرفه است (همان: ۵۵). در این پژوهش نیز به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی معاصر با تکیه بر رمان‌های فارسی پرداخته می‌شود.

۲. هدف و ضرورت تحقیق

با توجه به نقش زنان در امور سیاسی دوران معاصر، هدف در این پژوهش، بررسی نقش سیاسی آن‌ها در دهه داستان بعد از انقلاب اسلامی است تا ضمن بیان وضعیت سیاسی زنان در این داستان‌ها و جامعه، نوع نگاه زنان و مردان نویسنده نسبت به مشارکت سیاسی زنان مشخص شود. برای این منظور ده داستان زیر از پنج نویسنده مرد و پنج نویسنده زن بررسی شده است: ۱- رازهای سرزمین من از رضاابراهیمی؛ ۲- عطر رازیانه از فرشته ساری؛ ۳- جزیره سرگردانی از سیمین دانشور؛ ۴- سایه‌های روی دیوار از مرتضی حقیقت؛ ۵- سمفونی مردگان از عباس معروفی؛ ۶- تهران، شهر بی آسمان از امیرحسین چهل تن؛ ۷- در جستجوی من از منیژه جانقلی؛ ۸- دو منظره از غزاله علیزاده؛ ۹- ای کاش گل نبود از منیژه آرمین و ۱۰- جن‌نامه از هوشنگ گلشیری.

۳. سؤال‌های تحقیق

۱-نوع و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی در داستان‌های مردان چه تفاوتی با داستان‌های زنان دارد؟؛ ۲- چه راه‌حل و گفتمان‌های برای مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی ارائه شده است؟؛ ۳- موانع حضور زن در فعالیت‌های سیاسی کدامند؟

۴. پیشینه تحقیق

پژوهش جامعی در این زمینه صورت نگرفته؛ اما در برخی کتاب‌ها و مقاله‌ها به صورت پراکنده به این موضوع اشاره شده است؛ چنان‌که در کتاب «صد سال داستان نویسی» حسن میرعبدینی، درباره‌ی شخصیت مریم در داستان دو منظره می‌نویسد که پس از رهایی از زندان رگه‌هایی از تلاش‌های سیاسی هنوز در نیروی او دیده می‌شود (ر.ک میرعبدینی، ۱۳۸۷: ۱۱۱۸). در کتاب «جامعه‌شناسی رمان فارسی» عسگر عسگری به کشته شدن دختر ابراهیم آقا در تظاهرات‌های سیاسی و مبارز سیاسی بودن تهمینه ناصری در رمان رازهای سرزمین من اشاره کرده است (ر.ک عسگری عسگرلو، ۱۳۹۴: ۲۷۷-۲۷۶). حسین پاینده در کتاب «گشودن رمان» ضمن تحلیل روحی شخصیت هستی به گرایش کمونیستی او در داستان جزیره‌ی سرگردانی پرداخته است (ر.ک پاینده، ۱۳۹۴: ۱۷۵). محمدرضا سرشار در کتاب «جلوه‌هایی از ادبیات سیاسی امروز ایران»، از سرگردانی سیاسی شخصیت‌های داستان به خصوص هستی و روش‌های مبارزاتی با شاه و استعمارگران در داستان پیشین، سخن گفته است (ر.ک سرشار، ۱۳۹۱: ۳۵-۳۱). در کتاب «گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران» علی تسلیمی، تنها اشاره‌ای مختصر به نگاه پدرسالاری و تأثیر آن بر زندگی شخصیت‌های زن و به زندان افتادن نرگس به سبب مشارکت در درگیری‌های انقلاب در داستان عطر رازیانه کرده است. همچنین در نقد و بررسی داستان سمفونی مردگان، تنها از فعالیت‌های سیاسی شخصیت‌های مرد مانند آیدین سخن به میان آورده است (ر.ک تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۴۳ و ۲۳۳). در مقاله‌ی «زن در ادبیات داستانی بعد از انقلاب» از ناهید رودافشان، ضمن مقایسه‌ی شیوه‌ی حضور زن در داستان‌های زنان و مردان، از حضور زنان در مسایل سیاسی مانند جنگ تحمیلی در رمان‌های انقلاب سخن گفته است. در مقاله‌ی «نمادپردازی در رمان‌های سیمین دانشور» از حسینعلی قبادی، نویسندگان به نمادین بودن شخصیت‌ها از جمله سیمین به عنوان نماد نسل روشنفکر و هستی نماد نسل سرگردان پرداخته‌اند (قبادی). در مقاله‌ی

«زنان و سیاست با تکیه بر چهار رمان فارسی» حمید رضایی و ابراهیم ظاهری، به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در داستان‌های زنان، در مقایسه با داستان‌های مردان، نقش فعال‌تری در مسایل سیاسی دارند (ر.ک رضایی، ۱۳۹۲: ۴۷).

۵. بحث و بررسی

۵.۱. بررسی نوع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی

برای مشارکت سیاسی شاخصه‌هایی وجود دارد؛ مانند دارای پست سیاسی و اجرایی، خواهان پست سیاسی یا اجرایی، عضو فعال سازمان سیاسی، عضو فعال سازمان شبه سیاسی، عضو غیرفعال سازمان شبه سیاسی، علاقه‌مند به شرکت در امور سیاسی و رأی دادن (ر.ک راش، ۱۳۷۷: ۱۲۶) و مشارکت سیاسی در دو سطح رخ می‌دهد: توده مانند شرکت در انتخابات، احزاب، انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی، و نخبگان همچون حضور در مجلس، قوهی مجریه و داشتن مناصب عالی (ر.ک کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

در داستان‌های مورد بررسی، شخصیت‌های زن بیشتر در سطوح پایین مشارکت دارند. آن‌ها عضو احزاب مختلف هستند، از حق رأی برخوردارند، در تظاهرات شرکت می‌کنند، علاقه‌مند به شرکت در امور سیاسی و خواهان این‌گونه پست‌ها هستند؛ مانند گلر، شریفه و سونیا در «ای کاش گل سرخ نبود» و فرزانه در «جزیره سرگردانی» که عضو حزب توده هستند؛ هما در «راز سرزمین من»، به فکر رئیس شدن است؛ زن ابراهیم آقا در «راز سرزمین من»، مریم و دوستش در «دومنظره»، نقش فعالی در تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی دارند؛ برخی مانند لیلی و نورگس در «عطر رازیانه» به خاطر جرم سیاسی به زندان افکنده می‌شوند و بعضی مانند توران در «جزیره سرگردانی» و مریم و هانیه در «جستجوی من» طرفدار گفتمان انقلاب اسلامی هستند؛ البته این امور بیشتر در داستان‌های زنان انعکاس یافته است و شخصیت‌های زن، در داستان‌های زنان است که مشارکت سیاسی فعالی هر چند در سطوح پایین دارند؛ اما در بیشتر داستان‌های مردان، زنان مشارکت سیاسی ندارند.

۵.۲. میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی

نظر بر این است که نویسندگان زن بیشتر توجه خود را معطوف به مسائل خانوادگی می‌کنند و توجهی به مسائل اجتماعی و سیاسی ندارند: «معمولا این اعتقاد رواج داشته است که نویسندگی زنان به اقتضای سرشت آن محدود، درون‌گرا و خانوادگی است. می‌گویند زنان با درون‌مایه‌هایی شکوهمند جنگ، سیاست، جنون و جنایت سر و کاری نداشته‌اند و در عوض به کارهای ادبی هم‌تراز ساختن حلقه‌ی گل یا پرداختن به جزئیات سرگرم بوده‌اند و درست به همین دلیل که زندگیشان سرشتی حمایت شده داشته است، از صحنه‌ی رخدادهای سیاسی به دور بوده‌اند» (مایلز، 1380: ۱۳۷)؛ اما امروزه زنان از حوزه‌ی خصوصی خانواده بیرون آمده‌اند، به موضوع‌های مختلفی از جمله سیاست پرداخته‌اند و در داستان‌های آن‌ها، شخصیت‌های زن نقش مهمی در مسائل سیاسی جامعه داستانی دارند. «رمان‌های آنان [زنان] با ناراستی‌های اجتماعی و راه‌های درمان آن‌ها سروکار خواهد داشت. از این پس زنان و مردان را در این رمان‌ها نه تنها درگیر مناسبات عاطفی با یکدیگر، که در حال همزیستی و برخورد با هم در گروه‌ها و طبقات و نژادها مشاهده خواهیم کرد» (وولف، ۱۳۸۹: ۲۷).

در داستان‌های مورد بررسی، ۷۰٪ از شخصیت‌های زن فعال در سیاست، مختص به داستان‌های زنان است و ۳۰٪ از آن‌ها به داستان‌های مردان اختصاص دارد. در داستان‌های زنان، شخصیت‌های سیاسی زن، معمولا شخصیت‌های اصلی هستند و یا این که نقش مهمی در پیشبرد طرح داستان دارند؛ مانند هستی شخصیت اصلی داستان «جزیره سرگردانی»؛ هانیه، مریم و آذر، شخصیت‌های اصلی و مهم داستان «در جستجوی من»؛ گلر شخصیت اصلی «ای کاش گل سرخ نبود»؛ در حالی که در داستان‌های مردان، شخصیت‌های زن درگیر مسائل سیاسی، جز در «راز سرزمین من»، نقش حاشیه‌ای دارند. این موضوع نشان می‌دهد نویسندگان مرد هنوز گرفتار این کلیشه‌ی جنسیتی هستند که سیاست اختصاص به مردان دارد.

این کلیشه‌ی جنسیتی می‌تواند نقش منفی در جامعه داشته باشد؛ زیرا یکی از پیامدهای کلیشه‌های جنسیتی این است که صفت‌های مطلوب را به مردان و صفت‌های منفی را به زنان نسبت می‌دهند، به دنبال آن واکنش منفی در جامعه نسبت به زنان شکل می‌گیرد و آن‌ها از مشارکت سیاسی محروم می‌شوند (ر.ک باستانی، 1387: ۵۱). این در حالی است که حیات سیاسی سالم در هر جامعه «مرهون مشارکت فعال همه‌ی اعضای جامعه در امور سیاسی است. بنابراین باور بسیاری از صاحب‌نظران، انسان محور توسعه پایدار است و

جامعه‌ای می‌تواند توسعه یابد که آحاد آن اعم از زن و مرد، ظرفیت توسعه‌پذیری داشته باشند و در این فرایند فعال عمل کنند» (شجاعی، بی‌تا: ۲۳۵). در داستان‌های مردان، از میان شخصیت‌های مرد ۶۴٪ سیاسی هستند و ۳۶٪ غیرسیاسی؛ در حالی که در این داستان‌ها، از میان شخصیت‌های زنان، ۲۵٪ سیاسی و ۷۵٪ غیرسیاسی‌اند؛ اما در داستان‌های زنان، شخصیت‌های زن سیاسی (۵۲٪) مانند شخصیت‌های سیاسی مرد (۵۶٪) از شخصیت‌های غیرسیاسی بیشتر است.

۵.۳. تفاوت نگاه نویسندگان مرد و زن به شخصیت‌های زن

در داستان‌های مردان، شخصیت‌های زن بیشتر در حیطه‌ی خانه و خانواده نقش دارند که این ویژگی، مختص به ادبیات داستانی بعد از انقلاب نیز است: «زن در اکثر داستان‌های مردان که نقش اصلی دارند، در روابط خانوادگی و محیط و محفل خانواده است. زن چه در حاشیه فعالیت‌های سیاسی و حوادث انقلاب و دوره‌ی جنگ و چه در روابط روحی‌اش با مرد، بیشتر در کانون خانواده مطرح می‌شود» (رودافشان، ۱۳۸۵: ۲۳۲)؛ در حالی که در داستان‌های زنان، شخصیت‌های زن نقش مهمی در حوادث سیاسی جامعه می‌یابند؛ مانند فرزانه در «جزیره سرگردانی»، لیلا در رمان «عطر رازیانه» و مریم در «دو منظره». نکته‌ی دیگر این که نویسندگان مرد در پرداختن به شخصیت‌های زنان سعی می‌کنند تأثیر وقایع سیاسی را بر زندگی آن‌ها نشان دهند؛ مانند تأثیر جنگ جهانی دوم بر زندگی زنان در «سمفونی مردگان»، برخورد سیاسیون و مستشاران آمریکایی با زنان در داستان «راز سرزمین من»، نگاه حزب توده به شرکت زنان در اجتماع در داستان «جن نامه»؛ اما در داستان‌های زنان، نویسندگان می‌کوشند نشان دهند زنان همپای مردان در اکثر وقایع سیاسی کشور در دوران معاصر نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. همچنین شخصیت‌های زن در داستان‌های زنان، برخلاف داستان‌های مردان، به نوعی به آگاهی سیاسی و اجتماعی وسیع رسیده‌اند، حتی برخلاف قوانین جامعه مردسالار برای خود تصمیم می‌گیرند و در مسائل سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کنند؛ برای نمونه در «عطر رازیانه»، نرگس برخلاف میل پدر به دانشگاه می‌رود و به جرم فعالیت سیاسی به زندان می‌افتد، در «جزیره سرگردانی» زنان ایدئولوژی‌های سیاسی دهه‌ی پنجاه را به تصویر می‌کشند، در «دو منظره»، مریم با آوردن پدر به تظاهرات‌های سیاسی او را از انزوا بیرون می‌آورد.

در داستان‌های زنان، بین مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و میزان آگاهی‌های سیاسی آنها رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد؛ چنان‌چه زن دارای آگاهی سیاسی باشد، نقش فعالی در کنش‌های سیاسی دارد؛ اما اگر بینش سیاسی نداشته باشد، نقش منفعلی می‌یابد و یا در بین جریان‌های سیاسی سرگردان می‌شود؛ مانند هستی در «جزیره سرگردانی» و آذر در «در جستجوی من».

۵.۴. موانع و مخالفان حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی

عواملی همچون نبودن جامعه‌ی مدنی، وجود قوانین مورد نیاز و فرهنگ سنت‌گرا، سبب شده است تا زنان از فعالیت‌های سیاسی دور نگه داشته شوند که در این میان، نقش اندیشه‌های سنت‌گرا، برجسته‌تر از دیگر عوامل است: «افکار، اندیشه‌ها، سنت‌ها و عادات مردم، عرفی را ساخته بود که حضور زن در جامعه و شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی... را بر نمی‌تافت. مردان ایرانی هرگز به مخیله‌ی خود راه نمی‌دادند که زن هم می‌تواند در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن هم در سطح کلان شرکت کند» (ناجی‌راد، ۱۳۸۲: ۲۷۴).

در داستان «ای کاش گل سرخ نبود» معمولاً شخصیت‌های سستی مانند آقا رحیم، مخالف شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی‌اند؛ چنان‌که وی در گفت و گوی با مانی می‌گوید: «آخر زن را چه به این کارها؟» (آرمین، ۱۳۸۶: ۷۷). در «عطر رازیانه» پدر نرگس، نمادی از افرادی است که تفکری مردسالار دارد و معتقد است زن در انجام هر کاری باید از مرد اجازه بگیرد، تحصیل‌شان، ازدواج‌شان و حتی خوراک و پوشاک‌شان با اجازه مردان باشد و شرکت زن در فعالیت‌های سیاسی را به هیچ روی بر نمی‌تابد (ر.ک ساری، ۱۳۷۸: ۱۰۱). از جمله عواملی که مانع حضور زن در اجتماع و عرصه سیاست می‌شود، نگاه مردسالارانه است: «برجسته‌ترین آنها مردسالارانه بودن ساختار سیاسی این کشورها و همچنین محدودیت‌های عرفی و شرعی می‌باشد که مانع از حضور پررنگ و چشمگیر زنان در جنبه‌های گوناگون می‌شود» (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۹: ۴۲). در این داستان نیز نویسنده کوشیده است نشان دهد تنها عامل مخالف حضور زن در اجتماع و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، افرادی هستند که سستی‌اند و نگاه مردسالار دارند. در داستان «جزیره سرگردانی»، شخصیتی مانند توران، بر این نظر است که هیچ کدام از جوانان از زن و مرد، نباید وارد

فعالیت‌های سیاسی شوند، از جوانان می‌خواهد به علم روی آورند تا سیاست: «مادرانه نصیحت‌شان می‌کرد که درسشان را بخوانند- که سیاست بی پدر و مادر است- که سیاست‌گذراست- که سیاست برای به قدرت رسیدن است» (دانشور، 1380: ۱۴۷). در این داستان، شخصیتی مانند مراد، معتقد است زن باید به فعالیت‌های سیاسی بپردازد و مستقیم وارد درگیری‌های سیاسی شود؛ چنان که همواره از هستی می‌خواهد وارد مبارزه‌های سیاسی شود: «نمی‌دانم چرا می‌خواهم دستی دستی پای هستی را به مبارزه بکشانم» (همان: 320). در مقابل سلیم معتقد است زن نباید مستقیم درگیر مبارزه سیاسی شود: «هستی خانم محض رضای خدا، شما خودتان را بکشید کنار» (همان: ۲۳۸). هر چند او مبارزه سیاسی را خاص مردان نمی‌داند: «مبارزه‌ی سیاسی خاص مردان است؟ نه» (همان: ۸۷)، از نظر او، زن باید با هنر خود در جهت تنویر افکار توده‌ها و عموم فعالیت کند نه این که مستقیم به فعالیت‌های سیاسی بپردازد. نویسنده در این داستان در پی بیان این دیدگاه است که زن باید تفکرات مذهبی در سیاست داشته باشد و با مشارکت در فعالیت‌های سیاسی؛ البته به صورت غیرمستقیم، تلاشی در جهت بهبود و جهت‌دهی به اندیشه‌های سیاسی جامعه خود داشته باشد. در داستان «در جستجوی من»، نویسنده معتقد است زنان می‌توانند در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند؛ اما مرد و زن هر کدام فعالیت مخصوص به خود را دارد. شرکت مستقیم در جبهه‌ی نبرد وظیفه مردان است و زنان باید در پشت خط مقدم به خدمت بپردازند. با توجه به این که در این داستان زنان نه پست سیاسی دارند و نه مانند مردان درگیر فعالیت‌های سیاسی می‌شوند، می‌توان گفت از نظر نویسنده، میزان مشارکت زنان در این زمینه، محدود به همان یافتن آگاهی‌های درست سیاسی است. در داستان «سمفونی مردگان»، تنها جابر است که نگاهی مردسالار و استبدادی به مسائل زنان دارد. او معتقد است زن حق خروج از خانه و شرکت در حیطه‌های اجتماعی و سیاسی را ندارد؛ چنان که درباره‌ی آیدا، می‌گوید: «دخترها باید خانه داری یاد بگیرند، بعدها که بچه‌دار شدند، با عروسک واقعی سر و کار خواهند داشت» (معروفی، 1381: ۱۸۵). در مجموع می‌توان گفت که مهمترین مانع حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی از نظر نویسندگان مورد بررسی، نگرش‌های سنتی و مردسالار است.

۶. نقش زنان در مسائل سیاسی مطرح در داستان‌ها

در داستان‌های مذکور، از حوادث سیاسی مختلفی در تاریخ معاصر کشور سخن گفته شده است؛ حوادثی همچون جنگ جهانی دوم، ملی شدن صنعت نفت، 16 آذر و انقلاب اسلامی که در زیر نقش زنان در آن‌ها بررسی می‌شود:

۶.۱ گرایش‌های سیاسی زنان

در تاریخ معاصر ایران، جریان‌ها و احزاب مختلفی حضور داشتند که مهمترین آنها عبارتند از: جریان‌های مذهبی، گرایش‌های چپ و سلطنت‌طلبان. هر کدام از این گرایش‌ها درباره‌ی مسائل سیاسی زنان، دیدگاه خاصی مطرح کردند و زنان نیز در هر کدام از این گرایش‌ها، به نحوی مشارکت داشته‌اند:

۶.۲. زنان و گفتمان انقلاب اسلامی

یک جریان سیاسی مهم در تاریخ معاصر کشور، گرایش مذهبی و اسلامی است. «تفکر اسلامی به علت ماهیت مساوات‌طلبانه و حقیقت‌جویانه‌اش و همچنین پیشینه‌ی دیرینه‌اش در ایران از مقبولیت زیادی در بین توده‌های مردم، نخبگان و تحصیل‌کردگان برخوردار است و به علت نفوذی که دین اسلام و اندیشه‌ی شیعی در بین توده‌های مردم دارد، دارای قابلیت زیادی برای بسیج توده‌ها و برانگیختن احساسات آنهاست» (درستی، 1381: 254). در «جزیره سرگردانی»، گرایش مذهبی، به دنبال مبارزه با رژیم حاکم است و در مبارزات خود بر ارزش‌های دینی و اسلامی پافشاری می‌کند. شخصیت‌هایی همچون آل احمد، آقاسعید و سلیم، نماینده‌ی این تفکر هستند. از میان شخصیت‌های زن، توران طرف‌دار اندیشه‌های اسلامی است؛ اما هستی که شخصیت اصلی داستان است، در آغاز میان جریان‌های سیاسی موجود سردرگم است. گاهی به یک گروه گرایش می‌یابد و گاهی به گروه مقابل آن. در حقیقت وی نماد نسل سرگردان آن روز جامعه‌ی ایران است؛ نسلی که نویسنده آنها را «جزیره سرگردانی» نامیده است. «من قاطی پاتی هستم. گاهی فکر می‌کنم چپ انسان دوستم و هوادار خلیل ملکی و گاهی فکر می‌کنم به قدرت تحرک مذهب معتقدم و پیرو جلال آل احمد، یا به قول شما دینامیزم مذهبی» (دانشور، 1380: 87). هستی نمی‌داند جزو کدام گروه است. او هم عاشق مراد است و هم سلیم که می‌توان گفت هم به کمونیسم- مراد نماینده این تفکر است-گرایش دارد و هم به اندیشه‌های مذهبی- سلیم مظهر آن است-

هنگامی که مراد مریض می‌شود و یا ساواک او را تعقیب می‌کند، هستی به یاریش می‌شتابد و هم به سخنان سلیم گوش می‌دهد و نمی‌خواهد مستقیم وارد درگیری‌های سیاسی شود. همچنین او هم عاشق مراد است و هم سلیم. سرانجام با سلیم ازدواج می‌کند و بدین صورت بیان می‌شود او در بین دو جریان موجود در جامعه، بهتر است که به اندیشه مذهبی و مهدویت انقلابی بپیوندد.

در «در جستجوی من»، زنان حضوری فعال در فعالیت‌های سیاسی دارند. یکی از مباحثی که در اوایل جنگ مطرح شد، بحث خیانت بنی صدر، به عنوان فرمانده قوا بود. این اندیشه در این داستان ابتدا از طریق مریم و هانیه مطرح می‌شود؛ برای مثال وقتی هانیه با کمبود دارو برای درمان مجروحان مواجه می‌شود، می‌گوید: «بنی صدر در کرسی ریاست جمهوری چه غلطی می‌کند؟ در این بیست و چهار روز، بارها به این مسأله فکر کرده بود» (جانقلی، ۱۳۷۸: ۹). مریم نیز مانند هانیه زنی انقلابی است، خود را نیروی امام معرفی می‌کند و می‌گوید با بودن افراد انقلابی همچون آنها، خائنان (بنی صدر) هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. هانیه، با پیروزی‌های رزمندگان اظهار شادی و با فرارسیدن دهه‌ی فجر شروع به برگزاری جشن می‌کند. در حقیقت هانیه و مریم نمادی از زنانی هستند که طرفدار انقلابند؛ گرچه کمتر از مردان، در میدان سیاست وارد می‌شوند، درباره‌ی مسائل سیاسی اظهار نظر می‌کنند و به عنوان دو رزمنده به اشاعه‌ی گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازند. در این داستان، آذر، دختری دبیرستانی است که در آغاز، نمادی از زنانی خودشیفته است که رفاه خود را بر هر چیزی ترجیح می‌دهد. به نظر او، آن‌هایی باید در جنگ شرکت کنند که انقلاب کرده‌اند (ر.ک همان: ۱۰۰). او شخصیتی است که نه خواهان نظام شاهنشاهی است و نه نظام اسلامی: «نه شاه را دوست می‌داشته و نه این انقلاب را» (همان: ۶۱) هر اندازه که با نوشتن (شخصیت ضد انقلاب) و هانیه (شخصیتی انقلابی) رابطه‌اش بیشتر می‌شود، بیشتر در بین این دو گفتمان سرگردان می‌شود. سخنان نوشین از غرب و نوع زندگی تجملاتی در آنجا هوشش را ربوده است و از سوی دیگر، سخنان انقلابی، فعالیت‌های صمیمانه و فداکاری‌های هانیه، نظرش را به خود جلب کرده است. در پایان با شناختی که از این دو دیدگاه می‌یابد، به یک شخصیت انقلابی تبدیل می‌شود.

در «راز سرزمین من»، در جریان انقلاب نیز از زنانی نام برده می‌شود؛ مانند زن آقا ابراهیم که در تظاهرات شرکت می‌کند و از آن‌ها به عنوان افرادی یاد می‌شود که در پیروزی انقلاب نقش مؤثری داشتند. زنی مانند شکوه معتقد است با مسائل انقلاب باید با

آگاهی و بیش‌از‌پیش باز برخورد کرد و از خرافات دوری گزید (ر.ک براهنی، 1367: ۶۶). وی سرانجام در یکی از تظاهرات‌ها تیر می‌خورد و شهید می‌شود. هنگام حمله گاردی‌ها به پادگان‌ها و همافرها، زنان در کمک کردن به همافرها نقش مهمی دارند؛ چنان‌که افرادی مانند رقیه و زن آقا ابراهیم با تهیه کوکتیل و نان، از رزمندگان پشتیبانی می‌کنند و افرادی مانند مریم و هم‌زمانش اسلحه به دست می‌گیرند و مستقیم وارد میدان مبارزه می‌شوند (ر.ک همان: 946-947).

۶.۳. زنان مخالف گفتمان انقلاب اسلامی و سلطنت طلب

همچنین از شخصیت‌های زنی نام برده می‌شود که مخالف انقلاب اسلامی هستند؛ برای مثال در رمان «در جستجوی من»، نویسنده‌ی این دسته از زنان است. وی زن مردخای، یک صهیونیست آمریکایی تبار است که با شروع انقلاب از کشور فرار می‌کند. این شخصیت، فعالیت سیاسی خاصی انجام نمی‌دهد؛ اما مخالف انقلاب اسلامی و طرفدار فرهنگ غرب است. او در گفت و گو با آذر این چنین به بیان اندیشه‌های خود می‌پردازد: «این کشور جای مناسبی برای زندگی نیست. با این جنگ، با این همه فشارهای اقتصادی، نبودن آزادی کامل برای زن‌ها» (جانقلی، 1383: ۱۴۳).

در داستان «سایه‌های روی دیوار»، پروانه نیز از جمله شخصیت‌های حاشیه‌ای داستان است که خواهان حفظ وضع موجود و حکومت شاهنشاهی است. راوی، تمام سخنانی را که دایی شاهین درباره‌ی خوب بودن حکومت وقت می‌زند، به وی نسبت می‌دهد: «می‌دانستم که این‌ها همه فرمایشات پروانه جونشه» (حقیقت، 1380: ۳۵). در داستان «راز سرزمین من»، هما به عضویت گروهی در می‌آید که برای آمریکا جاسوسی می‌کند و در معامله‌های نفتی به نفع این کشور، نقش مهمی برعهده می‌گیرد. او از جمله زنان طرفدار نظام شاهنشاهی است که با شکست شاه از کشور فرار می‌کند.

۶.۴. زنان و اندیشه‌های چپ‌گرا

از دیگر جریان‌های سیاسی مطرح شده در این داستان‌ها، اندیشه‌های چپ‌گرا و کمونیستی است. «افکار چپ در دوره‌ی پهلوی، جذابیت زیادی برای روشنفکران و مخالفان حکومت سلطنتی داشت. بدنه‌ی اصلی اندیشمندان چپ را نظریه‌پردازان و رهبران حزب

توده تشکیل می‌دادند» (درستی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). حزب توده یکی از نخستین تشکل‌هایی است که زنان را وارد سیاست کرد (ر.ک مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹: ۱۰). فعالیت حزب توده در میان زنان در سال ۱۳۲۲ با تشکیل سازمان زنان برای اعضای حزب و جامعه‌ی زنان شروع شد. این حزب تنها سازمانی بود که زنان را پیوسته بسیج و با قدرت تمام برای حقوق آنها مبارزه کرد. جامعه‌ی زنان حزب، خواستار گسترش حقوق سیاسی اجتماعی، کلاس‌های سوادآموزی و باشگاه‌های آموزشی برای زنان بود و آنها برای گرفتن حق رأی برای زنان، دولت وقت را بسیار تحت فشار گذاشتند (ر.ک آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۴).

در «ای کاش گل سرخ نبود»، برادر گلر، وی را با اندیشه‌های کمونیستی آشنا می‌کند و به عضویت حزب در می‌آورد. از جمله فعالیت‌های وی، این است که سخنرانی‌هایی را که بر اساس مرامنامه حزب کمونیست تنظیم شده است، در مدرسه دخترانه اجرا می‌کند (ر.ک آرمین، ۱۳۸۶: ۷۵). بعد از رفتن رضاشاه و باز شدن فضای سیاسی کشور، گلر بنابر درخواست اسرافیل و مانی، مجبور می‌شود نمایشنامه‌ی خسرو و شیرین را به نحوی که با اندیشه‌های کمونیستی مطابقت داده شده است، کارگردانی کند و در جشنی که سران حزب در آن شرکت می‌کنند، نمایش دهد؛ اما گلر از اندیشه‌های کمونیستی دل خوشی ندارد و آن را مناسب زن ایرانی نمی‌داند (ر.ک همان: ۷۷-۷۸). در حقیقت نویسنده از طریق این شخصیت می‌خواهد نشان دهد تجددطلبی که احزاب به خصوص کمونیست‌ها برای زن ایرانی در نظر گرفته‌اند، چنان شایسته آنها نیست. از نظر نویسنده، این که کمونیست‌ها زنان را در اجتماعات خود شرکت می‌دهند، برای سوءاستفاده‌های سیاسی است؛ چنان که از زبان رفیق اسرافیل، رهبر حزب کمونیستی، این گونه به این موضوع اشاره می‌شود: «اول این که این داستان می‌تواند در قلب توده‌ها مؤثر باشد، دوم، تمایلات ضدسلطنت را تقویت می‌کند، سوم رفیق گلر را به عنوان یک شخصیت برجسته مؤنث معرفی می‌کند. بعدها که قدرت را به دست گرفتیم، می‌توانیم بیشترین استفاده را از این جریان ببریم» (ر.ک همان: ۷۹). گلر، به عنوان یک شخصیت تپیک، در پایان از این احزاب و اندیشه‌ها کناره‌گیری می‌کند و به دامان سنت باز می‌گردد. بدین گونه نویسنده نشان می‌دهد، تجددطلبی که برخاسته از فرهنگ غرب و شرق است، مناسب زندگی زن ایرانی نیست و اگر زن ایرانی می‌خواهد به روز زندگی کند، باید با تکیه بر سنت‌های مذهبی به دور از خرافه‌گری به پیش رود. رفیق شریفه و سونیا از دیگر شخصیت‌های این رمان هستند که عضو حزب توده‌اند. سونیا منشی حزب و همواره همراه اسرافیل است. شریفه نیز که در آغاز با اسرافیل ازدواج کرده بود، از

او جدا می‌شود و با یکی دیگر از اعضای حزب ازدواج و مرام کمونیستی را حفظ می‌کند. اشرف سادات، زن یکی از شخصیت‌های مهم کمونیستی این داستان، یعنی مانی است. او نیز خود فعالیت سیاسی خاصی ندارد، تنها از طریق مانی است که با برخی از اندیشه‌های مارکسیستی آشنا می‌شود. در «جزیره سرگردانی» نیز فرزانه یکی از شخصیت‌های حاشیه‌ای داستان است که به عنوان طرف‌دار گروه‌های چپ و کمونیستی، همراه مراد وارد مبارزه‌های سیاسی مسلحانه می‌شود و دست به مبارزه‌های ضد استعماری می‌زند. در «تهران، شهر بی آسمان»، زنان سیاسی داستان، آن‌هایی هستند که در تظاهرات توده‌های شرکت می‌کنند: «توده‌های‌ها به خیابان‌ها آمدند. آن‌ها عینک و کروات داشتند. قاطیشان زن بی‌حجاب بود» (حقیقت، 1380: ۳۵).

۶.۵. زنان و موضوع کشف حجاب

یکی از سیاست‌های داخلی که در کنار ملی‌گرایی از جانب رضاشاه دنبال می‌شد، تجدیدطلبی و مسائل زنان بود که برنامه‌های وی در این زمینه نیز چندان موفق نبود: «سیاست‌های رضاخان به گروه کوچکی از زنان یاری رساند؛ ولی از کسب حمایت اکثر زنان بازماند؛ زیرا آن سیاست‌ها همگام با نیازها و واقعیات جامعه‌ی ایرانی در آن زمان نبود» (نیکخواه‌قمصری، 1384: ۲۶۵). کشف حجاب، یکی از نشانه‌های این تجدیدطلبی است که برای همه‌گیر کردن آن، معمولاً جشن‌هایی برپا شد و اعیان و گروه‌های مختلف در آن شرکت کردند. «در ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ کشف حجاب زنان ایرانی با تشریفات بلا استثنا و به زور انجام پذیرفت، مجالس دولتی و مجالسی که به تشویق دولت ترتیب یافته بوده، در سراسر کشور برگزار شد» (نادی‌راد، 1382: ۲۳۷). نویسنده «ای کاش گل سرخ نبود»، به نقد این واقعه پرداخته است. گلر، شخصیت اصلی داستان، به اجبار شوهر، بدون حجاب در مجالس و میهمانی‌ها شرکت می‌کند؛ اما وی بعد از این که موهای خود را کوتاه و در جشن کشف حجاب شرکت کرده است، اظهار تأسف و بدین سبب، همواره از خدا طلب بخشش می‌کند.

۶.۶. زنان و جنگ جهانی دوم

از جمله حوادث مهم جهان که در اواخر حکومت رضاشاه به وقوع پیوست، شروع جنگ جهانی دوم و تسخیر کشور به وسیله انگلیس و روسیه بود. «سحرگاه روز 25 اوت سوم شهریور 1320 درست یازده روز بعد از انتشار منشور آتلانتیک [...] کشور بی طرف ایران از شمال و جنوب مورد تجاوز قرار گرفت و نیروهای شوروی و انگلستان با توسل به همان شیوه‌های که به دشمنان خود نسبت می‌دادند، به ایران حمله کردند» (هوشنگ مهدی، 1387: ۴۰۵). نویسنده داستان «ای کاش گل سرخ نبود»، نشان می‌دهد جنگ جهانی دوم موجب تعطیلی کارخانه‌ها شد و خانواده‌های زیادی برای تأمین معاش دچار سختی گردیدند؛ چنان که گلر و گلرخ بدین سبب که شوهرانشان نمی‌توانستند هزینه‌ی زندگی خود را تأمین کنند، مجبور می‌شوند کار کنند. در داستان «سمفونی مردگان»، نویسنده بر آن است تا تأثیر سوء این جنگ را بر زندگی زنان به صورت محدود نشان دهد. فرار دختران، کشتن و تجاوز به آن‌ها، گوشه‌ای از نتایج جنگ جهانی دوم برای زنان ایرانی که در این داستان بازتاب یافته است (ر.ک معروفی، 1381: ۱۰۲). در این داستان، تنها مادر آیدین است که با شوهرش درباهی وقایع رخ داده در کشور به خصوص جنگ جهانی دوم وارد گفت و گو می‌شود. در این گفت و گوها مشخص می‌شود او اطلاعی از حوادث رخ داده در شهر خود-اردبیل- ندارد و شوهرش است که او را نسبت به واقعیت امور آگاه می‌کند. وی درباره‌ی این که شهرهای شمالی و اردبیل را روس‌ها تسخیر کرده‌اند، می‌گوید: «حتما آخرالزمان شده» (همان: ۹۶)؛ اما شوهرش می‌گوید: «نه اصلا این طور نیست. کار، کار، کار آلمان است» (همان: ۹۷). مشارکت مادر آیدین در مسائل سیاسی در حد همین اظهارنظرهای ناپخته است که البته ریشه در نگرش‌های مردسالارانه‌ی جامعه آن روز دارد: «اصل بی‌چون و چرایی است که رفتار پخته‌ی سیاسی را رفتاری می‌داند که مردان دارند؛ یعنی نگرش‌ها و گزینه و شیوه‌ی مشارکتی خاص مردان است» (آبوت، 1387: ۲۰۵).

۶.۷. زنان و ملی شدن صنعت نفت و کودتای 28 مرداد

از حوادث سیاسی مهم حکومت پهلوی دوم، ملی شدن صنعت نفت و حادثه‌ی 28 مرداد بود. در این دوره همواره کشمکش‌هایی بین دولت وقت با مصدق بوجود آمد و تظاهراتی علیه یا له مصدق شکل گرفت. در داستان‌های مردان، شخصیت‌های زن درگیر مسائل مربوط به ملی شدن صنعت نفت نمی‌شوند؛ اما در داستان‌های زنان، برخی از

شخصیت‌های زن به حمایت از مصدق می‌پردازند. در «ای کاش گل سرخ نبود»، نویسنده تأثیر این واقعه را بر زندگی مردم نشان می‌دهد؛ چنان که با شروع اعتراض‌ها علیه محمدرضا شاه، فقر بر زندگی مردم سایه می‌افکند و به دلیل شرکت افرادی از خانواده‌ها در تظاهرات، زنان همواره در دلهره و نگرانی به سر می‌برند؛ نمونه آن‌ها شرکت حمید و کوروش در این تظاهرات است که گلر و اشرف‌السادات به عنوان مادران آن‌ها، همواره در اضطراب‌اند. در «دو منظره»، در تظاهرات‌ها، پیر زنی به طرف‌داری مصدق می‌پردازد: «به سوی مردان رفت، لبان کیبود او جنیدند، و با التهاب از آنان خواست که دست کم زن و مادر مصدق را آسوده بگذارند» (علیزاده، 1384: ۱۰۲). در داستان «جزیره سرگردانی» توران، از طرف‌داران مصدق است؛ زیرا پسرش در حمایت از مصدق کشته شده است. او در گفت و گویش با هستی، حمایت خود را از مصدق این گونه نشان می‌دهد: «یقین دارم مصدق تارهای دل مردم ایران را به لرزه درآورده، عاقبت کاری میکند کارستان» (دانشور، 1380: ۸۴).

۶.۸. زنان و حادثه‌ی 16 آذر

دانشجویان، در دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به ورود دانیس رایت به کشور و اهداف استعماری انگلیس و آمریکا، دست به تظاهرات زدند که در روز 16 آذرماه سال 1332 سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند. این حادثه نقطه‌ی عطفی در مبارزات علیه رژیم کودتا می‌شود: «حادثه 16 آذر 1332 به عنوان یک روز مقاومت تاریخی، در تاریخ دانشگاه تهران ثبت شد. از آن پس همه ساله، به رغم کوشش رژیم و ساواک، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های ایران مراسم و تظاهراتی به یاد شهیدان آن روز بر پا کردند» (نجاتی، 1371: ۱۱۵). به این رخداد تنها در «عطررازیانه» اشاره شده است و نویسنده می‌کوشد تا وضعیت دانشگاه‌ها را پس از این واقعه ترسیم کند: «چند واحد ضد شورش به طرف دانشگاه می‌رفت. گاردی‌ها با سپر و باتون از جیب‌ها پایین می‌پریدند و مقابل در اصلی دانشگاه مستقر می‌شدند» (ساری، 1378: ۶۸). اغلب دانشجویان نیز در چنین روزی به دانشگاه نمی‌آیند تا جزو هیچ دسته‌ای قرار نگیرند؛ اما اعتصابی‌ها با هجوم به کلاس‌ها، خواهان تعطیلی کلاس‌ها هستند و اعتصاب‌شکن‌ها سر کلاس‌ها حاضر می‌شوند (ر.ک همان: ۶۹). نویسنده بر آن است تا از طریق نرگس که شخصیت اصلی داستان است، نشان

دهد دانشجویان نسبت به این حادثه بعدها چه واکنشی نشان داده‌اند و نحوه‌ی برخورد حکومت با آن‌ها چگونه بوده است. نرگس پس از این که به دانشگاه می‌رود با برخی از مسائل سیاسی مانند حادثه‌ی 16 آذر از طریق دوستانش آشنا می‌شود و وی به جرم رفتن به دانشکده فنی در روز 16 آذر، دستگیر و به زندان افکنده می‌شود. «بازجو [...] آن رفتن به دانشکده‌ی فنی را یک برنامه‌ریزی دقیق می‌دانست و نرگس را عضو مهم تشکیلاتی که با ایجاد این پوشش برای رهبری تظاهرات به دانشکده‌ی فنی رفته است» (همان: ۹۹) و در زندان نیز مورد شکنجه قرار می‌گیرد. نویسنده سعی کرده است بیش از این که این شخصیت را درگیر فعالیت سیاسی کند، از طریق او نشان می‌دهد در چنین روزی بسیاری از دانشجویان، تظاهرات می‌کردند و حکومت، بر آن بوده است تا با ایجاد وحشت در بین دانشجویان مانع تجمع آنها شود.

۶.۹. زنان و موضوع حق رأی

یکی از خواسته‌های زنان پس از انقلاب مشروطه، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بود که مجلس با خواسته آن‌ها موافقت نکرد و آن‌ها را در کنار مجانبین از حق رأی محروم ساخت که در واکنش به این موضوع گفته شد: «تا روزی که زنان از حق رأی و ورود به مجلس، حتی برای تماشا کردن محروم‌اند، امید به ترقی در این کشور نیست» (هاشمی، 1365: ۵۳۰). تنها در سال 1343 بود که زنان از حق رأی برخوردار شدند. این موضوع تنها در داستان «جن‌نامه» بازتاب یافته است. در این داستان که زنان نقشی در فعالیتهای سیاسی ندارند و بیشتر در نقش همسر و به خصوص معشوق ظاهر شده‌اند تا حضور فعال در مسائل سیاسی؛ تنها مسأله قابل طرح درباره‌ی آنان، اشاره به حق رأی برای آن‌هاست که نویسنده معتقد است این تحولات نمی‌تواند در زندگی زنان ایرانی تأثیر مهمی بر جای بگذارد. «وقت ایشان از حق رأی زنان برایم سرقدم می‌رود. می‌گویم: جناب شهیدی، شما واقعا معتقدید که ما خوشبخت‌تر از پنجاه سال پیشایم؟» (گلشیری، بیتا: ۴۰۸).

۶.۱۰. زنان و مسائل انقلاب اسلامی

زنان در پیروزی انقلاب اسلامی، نقش مهمی برعهده داشتند که تنها در برخی از داستان‌های مورد بررسی به این نقششان توجه شده است. در آثار علیزاده، زنان در عرصه‌ی

سیاست فعال هستند؛ برای نمونه در «خانه ادیسیها» زنی چون شوکت مسئولیت سیاسی دارد که از طرف گروه آتشکارها انتخاب می‌شود و در نهایت، خانم ادیسی و رکسانا نیز دست به قیام می‌زنند (ر.ک باقری، 1387: ۲۶۱). در «دومنظره» نیز زنان علیه نظام شاهنشاهی تظاهرات می‌کنند، به زندان می‌روند و شکنجه می‌شوند. مریم، از شخصیت‌های مهم داستان، به مطالعه آثار سیاسی می‌پردازد و علیه رژیم پهلوی، در تظاهرات شرکت می‌کند. نیروهای ساواک نیز پس از دستگیری و به زندان افکندن وی، در زندان شکنجه‌اش می‌کنند (ر.ک عزیزاده، 1384: ۱۶۶). بعد از دو سال که آزاد می‌شود، فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه می‌دهد و هم خود در تظاهرات شرکت می‌کند و هم مادر را با خود می‌برد: «در خیابان‌ها تظاهر می‌کردند. مریم با چادر به آنها می‌پیوست [...] . پس از یکی دو هفته طلعه را نیز با خود می‌برد» (همان: 161). دوست مریم نیز شخصیتی سیاسی است که پس از آزادی از زندان، دوباره با مریم به فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد. در «سایه‌های روی دیوار»، سدری، پیش خدمت خانه حاجی، هنگامی که از او درباره تظاهرات کنندگان انقلابی سؤال کرده می‌شود، می‌گوید: «خانم می‌خواستی چی باشی، مستی اراذل او باش افتادن جلو، یه خلق گرسنه هم دنبالشون داد می‌زنه» (حقیقت، 1380: ۳۱)؛ با این حال خود در ادامه به گروه معترض می‌پیوندد (ر.ک همان).

۶.۱۱. زن ترسیم‌کننده‌ی فساد اخلاقی شخصیت‌های سیاسی

نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی در «راز سرزمین من» از دو جنبه قابل بررسی است: یکی نقشی که در فعالیت‌های سیاسی به صورت مستقیم دارند و دیگری، نقشی که برای برملا کردن فساد اخلاقی مردان سیاسی به آن‌ها محول شده است. در این داستان، هنگام سخن گفتن از مسائل دوران پهلوی، توجه نویسنده بیشتر به مسائل جنسی است و می‌خواهد فساد اخلاقی شخصیت‌های سیاسی داستان را نشان دهد. هما یکی از این زنان است که ابتدا با فرماندار فرار می‌کند، سپس هم‌خوابه شاه می‌شود و در ادامه با فرزام هم‌بستر می‌گردد و بدین طریق نویسنده نشان می‌دهد چگونه اکثر رجال سیاسی کشور دچار انحرافات جنسی بوده‌اند. سودابه از دیگر زنانی است که با افراد زیادی از جمله بیلتمور هم‌خوابه می‌شود و بدین طریق نشان داده می‌شود که نه تنها شخصیت‌های داخلی؛ بلکه شخصیت‌های سیاسی و نظامی خارجی نیز نگاهی جنسی به زنان دارند. در این رمان،

نویسنده بر این بوده است تا نشان دهد در حکومت پهلوی، زن ابزاری در دست سیاستمداران داخلی و خارجی بوده است که از او، سوء استفاده جنسی می‌شد و آن‌ها به هر مقامی که می‌رسیدند، باز پائین‌تر از مرد محسوب می‌شدند؛ چنان که هما در این زمینه می‌گوید: «می‌دانستیم رئیس آینده هوشی است. فرزام، هوشی و بعد، شاید من. زن، حتی آن بالا بالاها هم، پایین‌تر از مردهاست» (براهنی، 1367: ۱۱۰۱).

۶.۱۲. زنان دارای بینش سیاسی

برخی از شخصیت‌های زن، بینش سیاسی بالایی دارند؛ سیمین در داستان «جزیره سرگردانی» که زن آل احمد و استاد دانشگاه است، به تحلیل مسائل سیاسی جهان می‌پردازد؛ چنان که هستی درباره‌ی اندیشه‌های او به سلیم می‌گوید: «زنش، سیمین، از ایدئولوژی‌زدگی حرف می‌زند، می‌گوید تمام کشورهای جهان سوم، حتی کشورهای غربی ایدئولوژی زده‌اند. می‌گوید برداشت درست سیاسی بله؛ اما ایدئولوژی زده بودن نه» (دانشور، 1380: ۳۲). سیمین خود را معلمی می‌داند که درسش با سیاست و اجتماع در ارتباط است و به شاگردانش این گونه درس‌ها را می‌آموزد؛ اما هیچ اندیشه سیاسی را به کسی تحمیل نمی‌کند (ر.ک همان: ۱۰۸).

در «راز سرزمین من»، مادر حسین، مسائل سیاسی جامعه را نقد می‌کند. وی به حسین می‌گوید هنگام حضور فرقه دموکرات در آذربایجان، او و دیگر زنان به عنوان رزمنده برای رهایی و رسیدن زنان به آزادی وارد مبارزه شدند: «من خودم توی قبرستان میدانی، چادرم را زده بودم به دور کمرم، با بقیه‌ی زن‌ها مشق تفنگ می‌کردم» (براهنی، 1361: ۴۳۹). او می‌گوید علت ظلم شاه بر مردم این بود که مردم ناآگاه بودند، اکنون که به بینش درستی دست یافته‌اند، انقلاب می‌کنند و جلوی توپ و تانک می‌ایستند: «حالا شاه را ببین! همه را جاهل و بی‌شعور نگه داشته بود تا بهشان حکومت کند و حالا که مردم با شعور شدند، می‌خواهد در برود» (همان: 438). در جریان شروع انقلاب از حسین و دیگر همفکرانش می‌خواهد مواظب هم باشند، نسبت به هم گذشت داشته باشند و همیشه اتحادشان را حفظ کنند تا همچون جریان ملی شدن صنعت نفت نتیجه کوشش‌هایشان به هدر نرود (ر.ک همان: 440).

در داستان «سایه‌های روی دیوار»، مادر سیاوش نیز شخصیت سیاسی نیست؛ اما به خاطر پسر زندانی شده‌اش، گاهی به اظهار نظر درباره‌ی مسائل سیاسی می‌پردازد؛ برای نمونه او به فرزندش اعتراض می‌کند؛ چرا خودش را برای مردمی که بی‌خیال هستند، به زندان انداخته است (رک حقیقت، ۱۳۸۰: ۵۰)؛ اما در پایان می‌فهمد که پسرش راه درستی رفته است و این چنین بر درستی تفکر او صحنه می‌گذارد: «آگه آدم واسه‌ی غرورش زندگی نکنه، واسه‌ی چی بکنه» (همان: ۷۴).

۷. نتیجه‌گیری

در داستان‌های مورد بررسی، نشان داده شده است که زنان در مسایل سیاسی مختلفی مانند جنگ جهانی دوم، کشف حجاب، ملی شدن صنعت نفت، حادثه‌ی شانزده آذر، گرفتن حق رأی، طرفداری از احزاب و گفتمان‌های سیاسی مختلف و انقلاب اسلامی مشارکت داشته‌اند که میزان مشارکت آنها، محدود بوده است. شایان ذکر است که در داستان‌های زنان، شخصیت‌های زن نقش فعال‌تری نسبت به داستان‌های مردان داشته‌اند.

نوع مشارکت شخصیت‌های زن نیز در این فعالیت‌ها، در سطوح پایین بوده است؛ مانند مشارکت در تظاهرات، عضو احزاب شدن، به زندان افتادن به سبب فعالیت سیاسی، حمایت یا ضدیت با گفتمان‌های سیاسی؛ البته برخی از نویسندگان به جای نشان دادن نقش فعال زنان در فعالیت‌های سیاسی، کوشیده‌اند تا تأثیر حوادث سیاسی را بر زندگی آنها نشان دهند و نوع نگاه و واکنش‌هایشان را به این مسایل برجسته کنند.

همچنین از میان عوامل مختلف که مانع از مشارکت زن در سیاست می‌شوند، مهمترین مانع، نگاه مردسالار دانسته شده است. در نگاه مردسالار، زن باید در خانه بماند و از مشارکت در سیاست خودداری کند؛ چرا که سیاست کاری مردانه فرض شده است. راه‌حل نویسندگان به خصوص نویسندگان زن، برای حل این موضوع، این بوده است که زنان با به دست آوردن آگاهی، می‌توانند این مشکل و نگاه کلیشه‌ی را از جامعه بزدایند.

منابع

- ۱- پروانه (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران. مرکز.

- ۲- آبوت، پاملا و والاس، کلا (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه عراقی، تهران: نشر نی.
- ۳- آرمین، منیژه (۱۳۸۶). *ای کاش گل سرخ نبود*، تهران: سوره مهر.
- ۴- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). *جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۵- باقری، نرگس (۱۳۸۷). *زنان در داستان (قهرمانان زن در داستان‌های زنان داستان‌نویس ایران)*، تهران: مروارید.
- ۶- براهنی، رضا (۱۳۶۷). *رازهای سرزمین من*، تهران: نشر مغان.
- ۷- پاینده، حسین (۱۳۹۴). *گشودن رمان*، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- ۸- پیشگاهی‌فرد، زهرا و زهدی‌گهرپور، محمد (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی»، *فصلنامه‌ی زن و جامعه*، سال اول، شماره اول، ۲۵-۴۴.
- ۹- جانقلی، منیژه (۱۳۸۳). *در جستجوی من*، تهران: نسل کوثر.
- ۱۰- چهل تن، امیرحسین (۱۳۸۲). *تهران: شهری بی آسمان*، تهران: نگاه.
- ۱۱- حقیقت، مرتضی (۱۳۸۰). *سایه‌های روی دیوار*، تهران: چشمه.
- ۱۲- دانشور سیمین (۱۳۸۰). *جزیره سرگردانی*، تهران: خوارزمی.
- ۱۳- درستی، احمد (۱۳۸۱). *شعر سیاسی دوره‌ی پهلوی دوم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۴- رضایی، حمید، ظاهری عبدوند، ابراهیم (۱۳۹۳). «زنان و سیاست با تکیه بر چهار رمان فارسی»، *مطالعات داستانی*، دانشگاه پیام نور، شماره چهارم، ص ۶۲-۷۷.
- ۱۵- ارایش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ۱۶- روباتم، شیلا (۱۳۸۵). *زنان در تکاپو: فمینیسم و کنش اجتماعی*، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران: شیرازه.
- ۱۷- رودافشان، ناهید (۱۳۸۵). «زن در ادبیات داستانی بعد از انقلاب»، *مجموعه مقالات همایش سراسری زنان*، ج سوم، تهران: نشر معارف.
- ۱۸- ساری، فرشته (۱۳۷۸). *عطر رازیانه*، تهران: نشر علم.
- ۱۹- شجاعی، زهرا (بی تا). *برای زنان فردا: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات*، ج دوم، تهران: سوره مهر.
- ۲۰- عباس‌نیا، اکرم و مصفا، نسرین (۱۳۹۰). «مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه توانمندسازی زنان»، *زن: حقوق و توسعه (تحقیقات زنان)*، شماره اول، سال پنجم، ۷۶-۹۸.
- ۲۱- عسگری، عسگر (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی رمان فارسی*، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۲۲- علیزاده، غزاله (۱۳۸۴). *با غزاله تا ناکجا*، تهران: توس.
- ۲۳- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی‌کننده در مشارکت سیاسی زنان»، *مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۲۳۷-۲۱۷.
- ۲۴- گرت، استفانی (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتایون بقائی، تهران: نشر دیگر.

- ۲۵- گلشیری، هوشنگ (بی‌تا). *جن‌نامه، بی‌جا: بی‌نا*.
- ۲۶- مایلز، رزالیند (۱۳۸۰). *زنان و رمان*، ترجمه علی آذرنگ، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۲۷- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۷۹). *چپ در ایران، رضا روستا، به روایت اسناد ساواک*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ۲۸- معروفی، عباس (۱۳۸۱). *سمفونی مردگان*، تهران: ققنوس.
- ۲۹- میرعبادینی، حسن (۱۳۸۷). *صدسال داستان‌نویسی ایران*، تهران: چشمه.
- ۳۰- ناجیراد، محمدعلی (۱۳۸۲). *موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی ایران پس از انقلاب*، تهران: کویر.
- ۳۱- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، تهران: رسا.
- ۳۲- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۸۴). *تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی.
- ۳۳- وولف، ویرجینیا (۱۳۸۹). «زن و ادبیات داستانی»، *زن و ادبیات: سلسله پژوهش‌های نظری درباره‌ی مسائل زنان*، ترجمه منیژه عراقی، تهران: چشمه.
- ۳۴- هاشمی، محمد (۱۳۶۵). *مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ۳۵- هوشنگ مهدی، عبدالرضا (۱۳۸۷). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر.